

# رقابت روس و انگلیس در ایران

چون اخیراً روابط اقتصادی و سیاسی روس و انگلیس گسیخته شده حتی احتمال میدهند که منجر بزد و خوردآهائی در اروپا بشود و نظر با اینکه همچشمی سیاسی دیرینه این دو دولت با یکدیگر در آسیای مرکزی بخصوص ایران در روابط آنها دارای کمال اهمیت است و تأثیرات رقابت، کشاکش و بالاخره جنگ بین آنها در کشور ما فوق العاده زیاد است موقع مناسب بنظر میاید که تاریخچه روابط رقابتی و سیاستهای اساسی دولتین را در ایران شرح دهیم.

\*\*\*

تا قبل از پطر کبیر روسیه منحصر بود به مسکوی

وراهی بدریا نداشت . وقتی که این شخص بزرگ

تاریخی بسطت رسید دانست که تا آن مملکت

رابطه مستقیم بدریا های آزاد نداشته باشد نخواهد

توانست که اجتماعاً ، اقتصاداً و سیاستاً مراحل ترقی را سیر نماید . علیهذا

با کمال جدیت بانجام این مقصود همت گماشته و بممالک همسایه بنسای

دست اندازی گذاشت . بعد از او هم جانشینانش باستظهار وصیت نامه سیاسی

که بنام وی جعل شده بود دست یافتن بدریا های آزاد واضمحلال ملی

را که در سر راه بودند مدار سیاست و کوشش خود قرار دادند .

از چهار راه ممکن بود که روسها بدریا های آزاد راه یابند :

اول ، دریای سیاه و مدیترانه ،

دوم ، بحر بالتیک و اقیانوس اطلس ،

سوم ، دریا های شرق اقصی و اقیانوس کبیر ،

چهارم ، خلیج فارس و اقیانوس هند .

در هر یک از این جهات روسها بموانع و مشکلاتی برخوردند که

شرح جامع آن خارج از موضوع مقاله ماست . بطور اختصار آنکه در

خط اول بعد از زد و خورد ها با عثمانی دریای سیاه را در حقیقت تصرف

نمودند ولی تجاوز از آن یعنی عبور از تنگه های بسفر و داردانل برای

## سیاست روس

آنها میسر نگردید. در خط دوم پس از جنگهای با سوئد بالاخره ببحر بالیک دست یافته و بطر کبیر شهر (بترزبورغ) را بنا نهاد، ولی باز از این دریا هم نتوانستند خارج شده خود را باقیانوس اطلس برسانند، در خط سوم پس از طی مسافتها و دفع موانع در سیبری با بکنار اقیانوس کبیر رسیده و شهر (ولادیوستک) را ایجاد کردند، اما باز در اینجا نیز ژاپونها مانع خیالات آنها گردیدند. در خط چهارم راه عمده آنها ایران بود، ولی در این راه با وجود تمام کوششهایی که کردند موفق برسدن به خلیج فارس نشدند. در تمام این راهها انگلیسیان بمبارزین و مخالفین روسیه کمک میدادند چنانکه در سال ۱۸۵۵ بمثمانی مدد کرده و روسها را در کریمه شکست دادند.

وصیت نامه جطلی که بنام بطر کبیر معروف است گذشته از دریای آزاد سیاسیون روس را به تسخیر هندوستان نیز تطمیع نموده است. روسها برای رسیدن باین دو مقصود یعنی خلیج فارس و هندوستان قریب دو قرن کار کردند. قشون آنها در ترکستان و قفقازیه داخل شده و از دو ساحل بحر خزر بطرف ایران پیش آمدند. خانسات خپوه و بخارا را مطیع نموده، ناحیه مرو را نیز مالک شده و با ایران و افغانستان از این سمت همسایه گردیدند، در قفقازیه نیز داغستان، گرجستان، ارمنستان و سایر ولایات اینطرف رود (کری) را تارود (ارس) متدرجاً تصاحب نموده و بخلیج فارس و سرحدات هند نزدیک شدند.

از طرف دیگر انگلیسها به هندوستان دست انداخته و کم کم بملاحظه حفظ آن در شرق وسطی دارای منافع سیاسی زیاد گردیدند، بعد از آنکه انگلیسها سلسله های سلاطین بومی هندوستان را مطیع کرده،

### سیاست انگلیس

برتغایها، هندیها و فرانسویها را هم تقریباً از آن مملکت بیرون نموده و راهند را تا حدود طبیعی آن تصاحب کردند مجبور شدند که برای حفظ

مستعمره راههای بحری و بری آنرا یا در تحت تصرف خود در آورده یا در زیر نظر و مراقبت خود داشته باشند. در راه بحری از انگلستان به هندوستان تمام نقاط نظامی عرض راه (جبل الطارق، مالت، قبرس، قال سوئز و عدن) را بتصرف خود در آوردند. راههای بری عمده هندوستان هم عبارت است از ایران، افغانستان و بلوچستان که قلمه های طبیعی هندوستان می باشند.

چون خلیج فارس را انگلیسها بکدریاچه انگلیسی فرض میکنند در حقیقت بین النهرین و کردستان را هم میشود جزو راههای بری هند بشمار آورد. بهر حال انگلیسها يك قسمت از بلوچستان را تصرف کرده و با افغانستان هم چندین جنگ کردند تا آن مملکت را در تحت حمایت و مراقبت خود در آوردند. بین النهرین نیز امروز دست نشانده آنهاست. ایران که وسیعتر و مهمتر از این نقاط دیگر است و زیادتر طرف توجه روسها و دول سائره بوده میدان عمده رقابت انگلیس و رقبای او گردیده است. ابتدا در زمان شاه عباس کبیر در سر جزیره هرمز بین انگلیسها و پورتغالیها رقابت شروع شده و بعدها در زمان قاجار شاه که ناپلئون کبیر با ایران معاشره سیاسی مینمود میان فرانسه و انگلیس همچشمی شدیدی پیدا گردید. ناپلئون میخواست از راه ایران و بکرمک ایرانیان قشون هندوستان بفرستد ولی موفق نشد. بعد از آنکه خطر ناپلئون از میان رفت انگلیسها احساس يك بلیه بزرگتری کردند و آن خوف از روسیه بود، مخصوصاً بعد از آنکه روسها ترکستان را تصرف کرده، با افغانستان همسایه گردیده، ممالک قفقازیه را نیز از ایران و عثمانی گرفته و بواسطه عقد معاهده ترکمن چای چه از نظر ارضی و نظامی وجه بلحاظ سیاسی و اقتصادی خیلی جلو آمده و بسرحدات هند نزدیک تر شدند، انگلیسها سخت بوحشت افتاده و مملکت ایران و در بارشاه و تا

حدی افغانستان میدان مبارزه سیاسی شدیدی بین همسایگان شمالی و جنوبی ما گردید. در افغانستان بواسطه فرستادن هیئت های سیاسی بدر بارامیر انگلیس و روس با هم همچشمی می کردند. در ایران رقابت شدید تر و عملی تر بود. هر امتیازی را روسها می گرفتند انگلیسها هم مطابق آن میخواستند، هر قرارداد تجارتمی یا گمرکی آنها می بستند آنها هم برطبق آن تقاضا داشتند، اگر اینها قرض میدادند آنها هم بایستی قرض بدهند..

رقابت روس و انگلیس یا باصطلاح یکی از نویسندگان

ایران میان سیاسی فرانسه « نزاع خرس و نهنگ » از برای

دو سیاست ایران هم فوایدی داشت و هم مضاری - فایده آن

این که سیاست دفاع هند و بلتیک موازنه انگلیسها

روسها را مانع بود که ایران را بلع نمایند، زیرا موافق « وصیت نامه »

که دستور سیاست دولت تزاری روسیه بود روسها میبایست مملکت

مارا از میان ببرند، یا برطبق عبارت آن سند سیاسی « انحطاط ایرانرا

تسریع نمایند » .

شاید اگر سیاست دفاع هند انگلیسها را در ایران وادار بر رقابت

روسها نکرده بود آنها خود را بخلیج فارس رسانیده بودند. تاریخ بما

نشان میدهد که روسها برای رسیدن بمدیرانه هشت جنگ بزرگ با عثمانیها

کردند و مخصوصاً بعد از شکست سپاسپول در سال ۱۸۵۵ مسیحی باز

در سال ۱۸۷۷ خود را در آتش جنگ عظیمی انداخته و تا پش دروازه

اسلامبول آمدند. باز می بینیم که برای رسیدن باین مقصود یعنی دریای

آزاد از جبال (اورال) گذشته اراضی پرطول و عرض سیبیریارا با آنهمه

موانع طبیعی طی نموده و باقیانوس کبیر رسیدند .

چگونه تصور میشود کرد که اگر رقابت انگلیس نبود قشون

تزار بسواحل خلیج فارس دست نینداخته بودند؟

از طرف دیگر اگر انگلیسها معارضی مثل روس در ایران

نداشتند میل بااستعمار این مملکت نموده و حدود امپراطوری هند را تا سواحل زود ارس و اترک و دریای خزر امتداد داده بودند. پس رویهم رفته میشود گفت که این دوقوه مخالف باهم موازنه نموده و رقابت شدید آنها باعث حیات ایران بود . . . . و اما مضار آن .

چون ایران واقع بود میان دوقوه که هر یک از لحاظی یا انحطاط و اضمحلال یا ضعف و تنزل انرا میخواستند ترقی نکرده و بائر ماند . روسها نمیخواستند ایران قوی شود تا در موقع بتواند به آسانی از روی جسد نیم مرده ان گذشته بخلیج فارس یا هندوستان بروند . انگلیس ها هم ایران را تقویت نمیکردند و بحال ضعف و احتیاج نگاه میداشتند و حال آنکه بنظر ما این سیاست منافی منافع حقیقی آنها بود، زیرا بهمان ملاحظه که سیاسیون رژیم تزاری میخواستند ایران ضعیف باشد تا بتواند باسانی از آن عبور کرده بسرحداث بحری و بری هندوستان برسند و هرچه از دستشان برآمد در تضعیف مادی و معنوی ایران کوشش کردند، منطقاً انگلیسها میبایستی بعلت معکوس بخواهند که ایران قوی باشد تا عبور از آن را روسها کار سهل تصور نکنند . . . . بازهم ممکن است که ما بخاطر میرویم و دیپلماتی که با بصیرت و مهارت کامل سیاست شرقی انگلیس را اداره میکردند از لحاظ منافع مملکت خود حق داشته اند که ایران را ضعیف نگاه دارند . . .

بهر تقدیر، سیاسیون انگلیس ایران را تقویت نمیکردند بلکه چندی باحکومت تزاری دست بدست هم داده در ضعف و انحطاط آن کوشش مینمودند . هر قرضه دادند برای آن بود که این مملکت را بیشتر زیر نفوذ خود درآورند و برای آن نبود که آنرا دائم با استبداد کنند . مساعدتهایی هم که بعد از جنگ اروپا یکی دو دفعه با حکومتهای ایران نمودند در حقیقت تقویت ایران نبود بلکه حمایت و نگاهداری يك « رژیم » یا رژیم دیگری بود در این مملکت . ما چون معتقدیم که

ایران قوی و نیرومند برای سیاست شرقی انگلیس مفیدتر از ایران ضعیف و دردمند است تصور میکنیم منفعت حقیقی انگلیسها در آن باشد که يك ایران ملی و مستقلی را تقویت بکنند . . . مناسبانه اینطور نبوده و نیست و آنها نیز بحکم منافع حقیقی یا موهومی مثل روسها مانع ترقی و آبادی این کشور هستند . يك شاهد کوچکی مدعای ما را بهتر ثابت خواهد نمود: در سال ۱۹۱۲ موقعی که صحبت کشیدن راه آهن سراسر ایران بسود انگلیسها آنطور که باید موافقت نکردند زیرا میترسیدند این راه آهن روسها را بسرحدات هندوستان نزدیک کند . لارد کسرزن در مجلس اعیان موقع حمله بدولت و مخالفت با لایحه راه آهن مذکور میگفت :

« در مدت پنجاه سال تصدیق شده که هندوستان باید محاط باشد در يك حلقه جبال و صغاری که بدون تلفات زیاد قشون و پول غیر قابل عبور باشد . بحق یا بیاطل این بوده است سیاست تغییر نا پذیر حکومت هند در طول زیادترین قسمت يك قرن ، و از بیست و پنجسال باید طرف بزرگترین احزاب سیاسی این مملکت ( یعنی انگلستان ) آن را قبول کرده اند . این سیاست هندوستان را از هر حمله ای حراست کرده ، هیچ ملتی عبور از منطقه حمایت شده را نیاز نموده است . اما اگر این راه آهن ساخته شود آنوقت تمام آن سیاست بظن بوده بما میگویند این اصول را بپذیرید که سیاست حقیقی هند عبارت است از باز کردن سرحدات آن بطرف مغرب ، یعنی از میان بردن اهمیتی که افغانستان چون دولت فاضل دارد . راه آهن مذکور در حقیقت از دشتی که ما آنرا آن قدر برای دفاع هندوستان اهمیت میدادیم عبور کرده ، از پهلوی کوپته گذشته و يك راه مستقیمی از بنگاه عملیات روس بسرحدات هندوستان باز خواهد نمود . اگر این راه ساخته شد قشون روس هزار میل نزدیک تر به هندوستان شده و فرماندهان روس میتوانند سربازان خود را بسرحد هند بیاورند پیش از آنکه کمک هائی که از انگلستان فرستاده شده به نیمه راه رسیده باشند . تنها دلیلی که برای موافقت نمودن انگلستان با این « پروژه » میاورند ممتاز بودن روابط ما با روسیه است من خیلی مسرور هستم که این روابط دوستانه است ولی به لاردهای محترم یاد آوری میکنم که قرار داد های بین المللی دوام ابدی ندارد . . . »

•••

این بود اساس سیاست و رقابت روس و انگلیس در ایران تا عقد قرارداد ۱۹۰۷ در شماره آتیه انتقادات سیاسی خود را راجع باین معاهده بعرض خوانندگان محترم رسانم .

دکتر افشار